

## ارزیابی متغیرهای ژئوپلیتیک مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی مطالعه موردی: مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان

علی اکبر دبیری (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

**a.dabiri@modares.ac.ir**

محمد رضا حافظ‌نیا (استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

**hafezn\_m@modares.ac.ir**

سید یحیی صفوی (استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران)

محمد اخباری (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

**dr.m.akhbari@gmail.com**

### چکیده

جنوب آسیا و به ویژه مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان از جمله مناطقی که به شدت تحت تاثیر تروریسم و پیامدهای ناشی از آن قرار دارد. یکی از ابعاد بسیار مهم تروریسم در این منطقه، بعد ژئوپلیتیک این پدیده و تاثیرگذاری متغیرهای ژئوپلیتیک در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی است. هدف این پژوهش نیز شناسایی و ارزیابی متغیرهای ژئوپلیتیک مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان است. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این مسئله است که چه متغیرهای ژئوپلیتیکی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان تاثیرگذار هستند؟ روش این پژوهش از حیث ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش‌های کتابخانه‌ای-اسنادی و پرسشنامه‌ای است که با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است. نتایج حاصل از یافته‌های اسنادی و کتابخانه‌ای این پژوهش نشان می‌دهد که ۸ متغیر ژئوپلیتیک شامل «قرارگیری در بین مناطق و کشورهای بحرانی جهان»، «حمایت قدرت‌های مداخلگر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج دهنده ایدئولوژی‌های افراطی»، «مرزهای جغرافیای طولانی، پرنفوذ و دور از دسترس»، «پیوستگی جغرافیایی گروه‌های قومی-مذهبی در دو سوی مرز بین‌المللی»، «رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌ها»، «بی‌ثباتی ناشی از نبود یک قدرت هژمونیک منطقه‌ای یا بین‌المللی»، «موقعیت حائل»، «اختلافات ارضی و مرزی» و همچنین ۲۱ مقوله مرتبط با این متغیرها در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان تاثیرگذار هستند. همچنین آمار توصیفی و استنباطی (آزمون T) حاصل از

اطلاعات پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد میانگین امتیاز هر ۸ متغیر ژئوپلیتیک به طور معناداری از میانگین معیار (۳) بالاتر است. بنابراین تاثیرگذاری این متغیرهای ژئوپلیتیک در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی بین افغانستان با پاکستان مورد تائید کارشناسان این حوزه نیز قرار دارد. **واژه‌های کلیدی:** تروریسم، گروه‌های تروریستی، متغیرهای ژئوپلیتیک، مناطق مرزی افغانستان با پاکستان.

#### ۱- مقدمه

مسئله تروریسم در هزاره سوم میلادی به یکی از موضوعات محوری تحولات جهان و رابط بین قدرت‌ها و کشورها تبدیل شده است. خطر فزاینده تروریسم و گسترش مقیاس جغرافیایی فعالیت آن‌ها باعث شده ائتلاف‌های بین‌المللی علیه گروه‌های تروریستی شکل گرفته و برخی از مناطق دنیا درگیر جنگ با تروریسم شوند. اما هیچ کدام از این اقدامات باعث نشده است از قدرت و مقیاس عملکرد گروه‌های تروریستی کاسته شود، بلکه در موارد بسیاری بر میزان اثرگذاری و دامنه فعالیت چنین گروه‌هایی افزوده شده است. یکی از مناطقی که به شدت درگیر تروریسم و پیامدهای ناشی از آن قرار دارد، جنوب آسیا و به ویژه دو کشور افغانستان و پاکستان است.

این دو کشور در چند دهه گذشته همواره در صدر کشورهای بوده‌اند که تحت تاثیر تروریسم قرار داشته‌اند (Global Terrorism Index, 2017: 10) و در مواردی حتی موجب انتشار و انتقال تروریسم به دیگر مناطق و کشورهای جهان شده‌اند. کارشناسان، متخصصان و سیاستمداران ابعاد و دلایل مختلفی را برای شکل‌گیری و رشد تروریسم در این منطقه عنوان کرده‌اند.

اما یکی از ابعاد بسیار مهم تروریسم در این منطقه که کمتر مورد پژوهش جامع قرار گرفته است، بعد ژئوپلیتیک این پدیده و تاثیرگذاری متغیرهای ژئوپلیتیک در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی است. متغیرها و پدیده‌های ژئوپلیتیک که تحت تاثیر متقابل جغرافیا و قدرت موجودیت پیدا می‌کنند از عوامل برون‌زا و فراملی بسیار مهم در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در افغانستان و پاکستان هستند. مطمئناً شناسایی و تحلیل این متغیرهای ژئوپلیتیک، تاثیر قابل توجهی در شناخت دلایل شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در این دو کشور خواهد داشت.

بنابراین هدف اصلی این پژوهش شناسایی، ارزیابی و وزن‌دهی متغیرهای ژئوپلیتیک موثر در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان است.

## ۲- روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ ماهیت یک تحقیق توصیفی - تحلیلی است که به دنبال شناسایی متغیرهای ژئوپلیتیک تاثیرگذار در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی است.

از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از دو روش کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای استفاده شده است. در روش کتابخانه‌ای با مطالعه پژوهش‌های پیشین، نظریه‌های مرتبط و محیط شناسی تحقیق، ۸ متغیر ژئوپلیتیک احصا شده است. در ادامه ۸ متغیر به دست آمده در قالب پرسشنامه و در طیف نگرش سنج شش گزینه‌ای لیکرت در اختیار پژوهشگران مسائل امنیتی و متخصصان حوزه تروریسم قرار گرفت تا با استفاده از روش‌های کمی، آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS اعتبار سنجی و وزن‌دهی شوند. برای تعیین روایی پرسشنامه این پژوهش، ابتدا در مورد پرسشنامه تهیه شده با اساتید مشورت شده و با رفع نقایص آن، این نتیجه حاصل شد که شاخص‌های استفاده شده معرف حوزه معنایی مفاهیم اصلی هستند.

بنابراین پرسشنامه پژوهش حاضر، دارای اعتبار محتوایی است. همچنین از آنجایی که در این تحقیق از گویه‌های محقق‌ساخت بر اساس ۳ نظریه مرتبط با موضوع پژوهش استفاده شده است، بنابراین ابزار پژوهش دارای اعتبار سازه نظری نیز می‌باشد. برای تعیین پایایی نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ بین (۰) تا (۱) نوسان دارد که براساس آن هرچه مقدار این ضریب به عدد (۱) نزدیک تر باشد، نشان دهنده همسازی بیشتر گویه‌های یک مقیاس است. ضریب کل متغیرهای ژئوپلیتیک ۰/۸۰۶ به دست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب است. نمونه‌گیری این پژوهش با توجه به نامشخص بودن تعداد جامعه آماری به صورت هدفدار و با قضاوت محقق انجام شد.

یعنی براساس اطلاعات قبلی از پژوهشگران این حوزه نمونه‌گیری انجام گرفت. براین اساس اطلاعات تماس (پست الکترونیکی) مربوط به متخصصان از طریق تولیدات علمی، شبکه‌های اجتماعی علمی مانند: لینکدین<sup>۱</sup>، ریسرچ گیت<sup>۲</sup> و همچنین گوگل اسکولار بدست آمد. در ادامه پرسشنامه اینترنتی در فضای مجازی برای مهمترین متخصصان این حوزه در ایران و سرتاسر جهان (بیش از ۲۵۰ متخصص) ارسال شد که از این تعداد ۷۹ پرسشنامه به صورت کامل تکمیل و بازگردانده شدند. این متخصصان از کشورهای

1. Researchgate

2. LinkedIn

ایران ۴۸ کارشناس، ایالات متحده ۹ کارشناس، پاکستان ۶ کارشناس، بریتانیا ۵ کارشناس، افغانستان ۳ کارشناس، هند ۳ کارشناس، نروژ ۲ کارشناس و فرانسه، سنگاپور و اسکاتلند هر کدام یک کارشناس هستند.

از آنجا که آزمون مورد استفاده در این پژوهش، آزمون پارامتری T تک نمونه‌ای است، بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها باید تامین شود. بدین منظور داده‌های چولگی و کشیدی مربوط به ۷۹ پرسش‌شونده محاسبه شد که چولگی (۱/۲۸۹-) و کشیدی (۱/۵۴۸) به دست آمد. با توجه به اینکه این میزان از چولگی و کشیدی بین ۲ تا ۲- قرار دارد نشان می‌دهد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار است.

### ۳- مبانی و آموزه‌های نظری

#### ۳-۱- تروریسم

به طور کلی اصطلاح تروریسم واژه‌ای سیاسی با بار معنایی منفی است. در مورد تروریسم و گروه‌های تروریستی، تعریف مورد اجماع بین‌المللی وجود ندارد. دانشگاهیان، سیاستمداران، کارشناسان امنیتی و روزنامه‌نگاران تعاریف مختلفی از آن ارائه می‌دهند، به طوری که در برخی از تعاریف بر چگونگی عمل سازمان‌های تروریستی تأکید می‌شود و در برخی دیگر از آن‌ها به انگیزه و شخصیت تروریست‌ها پرداخته می‌شود، عده‌ای نیز به شیوه عمل فردی تروریست‌ها می‌پردازند (Ganor, 2002: 290).

همچنین، این پدیده برای عده‌ای جرم محسوب می‌شود، درحالی که برای دیگران فعالیتی تکلیف شده از جانب خداوند است، برای برخی عمل مشخصی برای کسب و حفظ قدرت به شمار می‌آید و عده‌ای آن را به منزله اقدامی در برابر ظلم و ستم توجیه می‌کنند. برای عده‌ای نیز به معنی حمله به صلح و امنیت است و برای دیگران تلاش برای جستجوی هویت محسوب می‌شود (Lizardo, & Bergesen, 2002: 13)؛ با این حال باتوجه به ویژگی‌های ذاتی تروریسم مانند خشونت، اهداف سیاسی و ایجاد فضای رعب و وحشت می‌توان تعریف زیر را از اقدام تروریستی ارائه نمود: «استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت (با ابزارهای مختلف) از سوی فرد، گروه یا دولتی علیه اتباع (عمدتاً غیرنظامی) یا اموال یک یا چند کشور به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه هدف و دستیابی به اهداف سیاسی» (Etaat & Dabiri, 2016: 13-14).

### ۲-۳- ژئوپلیتیک

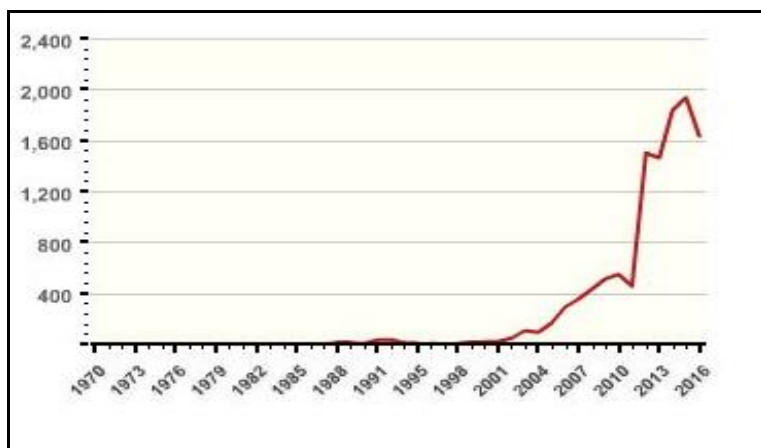
تعریف ژئوپلیتیک همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی با پیچیدگی و عدم اجماع مواجه است. با این حال در تعریف این مفهوم بر ارتباط متقابل قدرت و جغرافیا تأکید زیادی وجود دارد. در یک تعریف تا حدودی پذیرفته‌شده در محیط آکادمیک ایران ژئوپلیتیک عبارتست از: علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کشش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر. در این تعریف عنصر جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. عنصر سیاست نیز در سه حوزه ایدئولوژی و اندیشه سیاسی، ساختارها و سیستم‌سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی و نیز کشش و رفتار سیاسی که از سوی بازیگران در پیش گرفته می‌شود، مدنظر است. عنصر قدرت نیز در هر سطحی و در هر بعدی چه از نظر تولید و چه از نظر کاربرد و چه از نظر الگوی پخش و رده‌بندی، به نحوی از عناصر دیگر یعنی جغرافیا و سیاست متأثر بوده و متقابلاً بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Hafeznia, 2006: 37-38). شامل می‌شود. بنابراین متغیرها، پدیده‌ها و موضوعات ژئوپلیتیک نیز حاصل تأثیرات متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست هستند.

### ۳-۳- تروریسم در افغانستان

افغانستان یکی از کشورهای است که با فراوانی بسیار بالایی از حملات تروریستی مواجه بوده است. براساس بانک اطلاعات تروریسم جهانی این کشور از سال ۱۹۷۰ تا پایان سال ۲۰۱۶ م شاهد ۱۱۵۲۹ حمله تروریستی بوده است (Global Terrorism Database, 2017) یعنی به‌طور متوسط افغانستان در هر سال شاهد ۲۵۰ حمله تروریستی کوچک و بزرگ بوده است. این در حالی است که طی ۱۵ سال گذشته و بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و حمله ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا به افغانستان حملات تروریستی در این کشور از شدت و گستردگی بیشتری برخوردار شده است (شکل ۱). بر اساس آمار و اطلاعات شاخص تروریسم جهانی این کشور در سال ۲۰۱۴ با امتیاز ۹/۲۳۳ از ۱۰ بعد از کشور عراق در صدر کشورهای قرار دارد که از تروریسم و حملات این گروه‌ها تأثیر پذیرفته است. طالبان مسئول اصلی حملات تروریستی در افغانستان است به طوری که در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بیش از ۷۵ درصد حملات تروریستی در این کشور را انجام داده است. در سال ۲۰۱۴ در ۵۱۵ شهر مختلف افغانستان اقدامات تروریستی انجام شده است و به طور واضح تروریسم در سراسر این کشور گسترده شده است. با این حال نواحی از کشور به طول ۱۰۰ مایل از مرز پاکستان حملات تروریستی شدیدتری اتفاق می‌افتد.

جنوب و شرق افغانستان به علاوه ولایت هلمند کانون‌های اصلی حملات گروه‌های ضد حکومتی مسلح بوده‌اند. هلمند ۱۰ درصد و ننگرهار ۸ درصد و دو شهر بزرگ افغانستان یعنی کابل و قندهار هر کدام ۷ درصد از حملات تروریستی در این کشور را شاهد بوده‌اند (Global Peace Index, 2015: 21).

در سال ۲۰۱۷ رتبه دوم افغانستان از نظر میزان اثرپذیری از حملات تروریستی تکرار شد در این سال گروه تروریستی طالبان ۱۱ درصد از خاک کشور افغانستان را تحت کنترل خود داشت (Global Terrorism Index, 2017: 23).



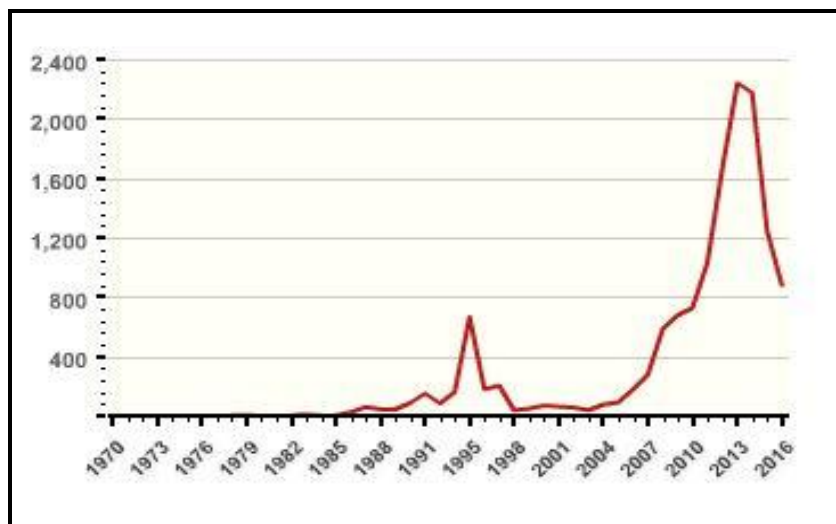
شکل ۱- فراوانی حوادث تروریستی از سال ۱۹۷۰ م تا پایان سال ۲۰۱۶ م در افغانستان

Source: Global Terrorism Database, Afganistan, 2017

### ۳-۴- تروریسم در پاکستان

پاکستان از نظر فراوانی حملات تروریستی و مرگ و میرهای ناشی از آن حتی شرایطی به مراتب بدتر از افغانستان دارد. براساس بانک اطلاعات تروریسم جهانی از سال ۱۹۷۰ م تا پایان سال ۲۰۱۶ م پاکستان ۱۳۹۳۹ حادثه تروریستی را از سرگذرانده است. یعنی به‌طور متوسط در این دوره زمانی سالانه بیش از ۳۰۲ حمله تروریستی در این کشور اتفاق افتاده است.

پاکستان دارای دو موج عمده حملات تروریستی بوده است. اولین موج از پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۱ آغاز شده و در اواخر دهه ۹۰ میلادی از شدت آن کاسته شد. دومین موج حملات تروریستی نیز از سال ۲۰۰۵ میلادی آغاز شده و همچنان نیز ادامه دارد (Global Terrorism Database, Pakistan, 2017).



شکل ۲- حوادث تروریستی در پاکستان از سال ۱۹۷۰ تا پایان سال ۲۰۱۶

Source: Global Terrorism Database, Pakistan, 2017

در سال ۲۰۱۵ با وجود اینکه پاکستان در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ م کاهش ۷ درصد حملات تروریستی و همچنین کاهش ۲۵ درصد مرگ و میر ناشی از این حملات بوده است اما همچنان با امتیاز ۹/۰۶ از ۱۰ در رده چهار کشورهایی قرار دارد که به شدت تحت تأثیر حملات گروه‌های مسلح است. گروه‌ها و حملات تروریستی در پاکستان تأثیرات بسیار قوی بر کشور مجاورش یعنی افغانستان دارد و تعداد عمده حملات این گروه‌ها در نواحی مرزی نزدیک به افغانستان به وقوع می‌پیوندد.

تروریسم در پاکستان یک طیف متنوع از بازیگران است به طوری که در سال ۲۰۱۴ در حدود ۳۵ گروه تروریستی مختلف در این کشور فعالیت می‌کردند. از لحاظ مکانی ایالت خیبرپختونخواه در این کشور اکثر حملات تروریستی را تجربه می‌کند. شهر «پراچنار» در مناطق قبیله‌ای فدرال پاکستان نزدیک‌ترین نقطه به کابل در افغانستان است که بالاترین نرخ مرگ و میر را با ۱۲ کشته در هر حمله به خود اختصاص داده است (Global Peace Index, 2015: 23).

پاکستان در سال ۲۰۱۷ همچنان در رتبه چهارم کشورهای قرار دارد که بالاترین تأثیرپذیری را از حملات تروریستی دارند (Terrorism Index, 2017: 26).



نقشه ۱- نواحی نفوذ و حضور طالبان در مناطق مرزی پاکستان و افغانستان

[http://www.nctc.gov/site/groups/afghan\\_taliban.html](http://www.nctc.gov/site/groups/afghan_taliban.html)

### ۳-۵- نظریه سرایت از تروریسم

توزیع زمانی و مکانی حوادث تروریستی در مقیاس جهانی می‌تواند یکی از چهار الگوی «تصادفی»، «نامتجانس»، «تقویت» و «سرایت» را شامل شود. در واقع، این حملات یا به طور «تصادفی» در فضا و زمان توزیع می‌شوند یا در غیر این صورت، یکی دیگر از سه نوع الگوی غیر تصادفی را دنبال می‌کنند. «نامتجانس» حاکی از آن است که تجربه کشورهای مختلف در مورد تروریسم در میان فضا نابرابر اما در طول زمان ثابت است. «تقویت» نیز به این نکته اشاره دارد که حوادث تروریستی که در یک کشور اتفاق می‌افتد، احتمالاً در آینده نیز در همان کشور تشدید خواهد شد. «سرایت» نیز به معنای آن است که رخ دادن حوادث تروریستی در یک کشور احتمالاً موجب شکل‌گیری این حوادث در کشورهای همسایه می‌شود. نتیجه آنکه تعداد زیادی از کشورها که تجربه این پدیده را نداشته‌اند، در یک دوره زمانی حوادث تروریستی را تجربه می‌کنند. نکته دیگر آنکه سرایت فقط از طریق مرزهای جغرافیایی صورت نمی‌پذیرد بلکه به صورت غیرهمجوار نیز روی می‌دهد. انتشار غیر ناهم‌جوار فرایندی است که ممکن است همکاری بین گروه‌های تروریستی را، در روابطی مانند جاسوسی، آموزش، تأمین بودجه و پشتیبانی



شامل شود (Midlarsky et al, 1980: 270-273). مطالعات دیگری در مورد وقوع حملات تروریستی نشان می‌دهد که سطح بالایی از این حملات در یک ماه، به احتمال بسیار حوادث تروریستی را در چند ماه آینده به دنبال خواهد داشت. در واقع، تصمیم یک گروه تروریستی برای راه‌اندازی حمله به طور چشمگیری تحت تأثیر حملات مشابه در مکان‌های دیگر قرار دارد. از این جهت، برای نامیدن آن از مفهوم «سرایت» استفاده می‌شود (Brynjar, 2004, 17). به اعتقاد عده‌ای از نویسندگان، صورت دادن این حملات دوره‌ای تا حد زیادی به تمایل تروریست‌ها برای کسب توجه رسانه‌های جمعی مربوط می‌شود. همچنین، جمع‌آوری مستندات میدانی نشان می‌دهد سرایت از تروریسم با توجه به زمان حملات صورت می‌پذیرد (Weimann & Brosius, 1988: 500). به این معنا که در دوره زمانی خاصی، حملات تروریستی قابل توجهی در مناطق مختلف روی می‌دهد. مبحث سرایت از تروریسم، علاوه بر بُعد زمانی، دارای جنبه جغرافیایی و مکانی نیز می‌باشد. به این ترتیب که مشاهده پدیده‌های تروریستی با سطوح بالا در یک کشور اغلب با افزایش این حوادث در کشورهای همسایه و منطقه ارتباط دارد. این حملات ممکن است به دست همان سازمان، نسل دیگری از آن سازمان، هواداران خارجی و شرکای ائتلافی یا گروه‌هایی صورت می‌گیرد که از آن سازمان تقلید می‌کنند (Crenshaw, 2005: 15). همچنین، فرایند سرایت ممکن است در سرتاسر یک کشور به راه انداخته شود و در نتیجه، پدیده تروریسم از نقطه شروع به دیگر مناطق با شرایط مختلف گسترده شود (Crenshaw, 2005: 13). در نتیجه، تروریسم مانند بیماری خطرناکی است که، در صورت مهیا بودن شرایط، به اپیدمی گسترده‌ای تبدیل خواهد شد و مانند بازی دومینو، یکی پس از دیگری، کشورها و جوامع را گرفتار می‌کند، چنانکه امروز تروریسم ماهیت بین‌المللی و جهانی یافته است. نکته جالب توجه، این مطلب است که مانند سرایت بیماری‌ها هرچه مشابهت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و محیطی کشور یا منطقه‌ای با کشورها و مناطقی که تروریسم در آن‌ها شکل گرفته بیشتر باشد احتمال سرایت این پدیده بیشتر خواهد بود (Etaat & Dabiri, 2016: 26).

### ۳-۶- رویکرد حمایت خارجی و تروریسم

گروه‌های تروریستی تحت حمایت دولت به دلیل در اختیار داشتن منابع، امکانات و اطلاعات مناسب، اغلب قادر به انجام حملات مرگبارتری از دیگر تروریست‌ها هستند. به طوری که والتر لاکور اظهار می‌دارد که عملیات تروریستی حکومت‌های پلیسی و دولت‌های استبدادی هزار برابر بیشتر از عملیات تروریستی فردی مسئول قربانیان و بدبختی‌هاست (Laqueur, 1987: 146). به اعتقاد هافمن خشونت مخفیانه

تروریست‌های تحت حمایت دولت، هزینه کمی را برای دولت حامی ایجاد خواهد کرد و اگر به‌درستی و مخفیانه علیه دشمنان قوی به کار رود، می‌تواند از مجازات بین‌المللی یا اقدامات تلافی‌جویانه جلوگیری کند (Hoffman, 1998). بنابراین، جای تعجب نیست که کشورهای نسبتاً ضعیف برای ضربه زدن به دشمنان قدرتمند خود به حمایت از گروه‌های تروریستی متوسل شوند (Richardson, 2007: 51). البته این فقط دولت‌های ضعیف نیستند که از تروریسم استفاده می‌کنند.

واقعیت آن است که در بسیاری از موارد، قدرت‌های مسلط جهانی برای پیشبرد برنامه‌های راهبردی خود، گروه‌های تندرو و تروریستی شکل داده و از آن استفاده می‌کنند. ریچاردسون<sup>۱</sup>، در این ارتباط، از پنج سطح سخن می‌گوید. در سطح نخست، عمل مخفیانه سازمان‌های اطلاعاتی دولت با عنوان نمایشی ظاهری از تروریسم نشان داده می‌شود. در اینجا دولت کنترل کامل را دارد و عملیات تروریستی اساساً در خارج از کشور تحت پوشش قرار می‌گیرد. دومین سطح، در امتداد زنجیره‌ای از استخدام و آموزش عاملان حملات تروریستی است که، به‌طور خاص، برای مأموریت‌های خارج از کشور انجام می‌شود. سطح سوم، زمانی است که دولت از نزدیک گروه تروریستی را کنترل و فعالیت‌های آن را هدایت می‌کند. سطح چهارم آن است که دولت تأمین مالی و پناهگاهی ایمن برای گروهی تروریستی مستقل فراهم می‌آورد.

در واقع در این سطح، دولت به تروریست‌ها اجازه می‌دهد برای اقدامات تروریستی از قلمرو سرزمینی‌اش استفاده کنند و از تحویل و دستگیری آن‌ها به کشورها یا نهادهای بین‌المللی طفره می‌رود. سطح پنجم و نهایی در زنجیره کنترل دولت، زمانی است که دولت حامی تصمیم می‌گیرد که اقدامات گروه تروریستی به پایان کارکرد و خدمت خود برسد (Richardson, 2005: 196). بنابراین حمایت‌های خارجی در ابعاد مختلف مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و جغرافیایی (پناهگاه) نقشی اساسی در شکل‌گیری و رشد گروه‌های تروریستی دارد.

### ۳-۷- نظریه ژئوپلیتیک آشوب<sup>۲</sup>

از دیدگاه ژئوپلیتیک جهان در میان آشوب‌های بزرگی قرار گرفته است. از یک سو اتحادیه‌های منطقه‌ای اقتصادی چندجانبه گسترش پیدا کرده است (مانند اتحادیه اروپا، نفتا، مرکوسور، اپک و ...) و از سوی دیگر رنسانس ملی‌گرایی، ظهور بنیادگرایی، تقسیم کشورها و ادعاهای استقلال و خودمختاری

1. Richardson  
2. geopolitical of Chaos

اقلیت‌ها شکل گرفته است. اکثر درگیرهای داخلی و درون‌کشوری است که بخشی از جمعیت با قدرت مرکزی مخالف هستند. علاوه بر این شبکه جرم و جنایت و مافیای سازمان یافته بین‌المللی تهدیدات جدیدی را به وجود آورده است که بسیاری از شبکه‌های مخفی قاچاق موادمخدر و انسان، خرید و فروش سلاح و تکثیر سلاح هسته‌ای را کنترل می‌کنند (Ramonet, 1998: 6).

امروزه، جهان بعد از فروپاشی نظام دو قطبی و به چالش کشیده شدن نظم تک قطبی آمریکا توسط سایر قدرت‌های رقیب، در نوعی دوران گذار بلند مدت قرار دارد که هنوز به یک نظم جدید و با ثباتی دست پیدا نکرده است.

از این رو نوعی بی‌نظمی و فقدان مدیریت و کنترل منسجم بر فرایندها و تحولات جهانی مشاهده می‌شود که شاخص‌های اصلی آن تضعیف موقعیت سازمان ملل متحد در مدیریت منسجم و قدرتمند امور جهان، تک‌روی آمریکا، ائتلاف‌های ناپایدار بین قدرت‌های سطوح مختلف، گسترش ناامنی و تروریسم بین‌المللی، محلی‌گرایی، هویت‌گرایی، رقابت جهانی‌سازی بین بازیگران عمده سیاسی-اقتصادی و رسانه‌ای، گسترش منطقه‌گرایی، تجاوز نظامی خودکامه سایر کشورها (Hafeznia, 2006: 143)، جنگ‌های بین‌قومی، نسل‌کشی، مهاجرت و آوارگی، گسترش بحران‌های زیست‌محیطی، به وجود آمدن بازیگران جدید در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

بنابراین از زمانی که جهان نظم دو قطبی پیش در نظام ژئوپلیتیک جهانی را ترک کرد تا به امروز یک نظم ژئوپلیتیکی منسجمی در جهان حاکم نشده است. از منظر ژئوپلیتیک آشوب شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی مربوط به بی‌ثباتی حاکم بر نظام بین‌المللی و نبود یک قدرت فائده منسجم برای مدیریت نظام جهانی است.

#### ۴- یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش در دو بخش یافته‌های کتابخانه‌ای و یافته‌های میدانی (پرسشنامه‌ای) ارائه شده است. در بخش یافته‌های کتابخانه‌ای گزاره‌هایی از مقالات علمی-پژوهشی، گزارشات بین‌المللی مستند، اخبار نقل شده از خبرگزاری‌های معتبر و دیگر منابع کتابخانه‌ای در مورد متغیرهای تحقیق ذکر شده و در بخش یافته‌های میدانی اطلاعات حاصل از پرسشنامه کارشناسی (خبره) که در اختیار محققان و متخصصان این حوزه قرار گرفته بود، ارائه گردیده است.

## ۴-۱- یافته‌های کتابخانه‌ای و اسنادی

## ۴-۱-۱- قرارگیری در بین مناطق و کشورها بحرانی جهان

در مقیاس منطقه‌ای دو کشور افغانستان و پاکستان از یک سو با منطقه آسیای مرکزی و کشورهای ضعیف این منطقه مانند تاجیکستان و ازبکستان هم مرز هستند از سوی دیگر با منطقه بحرانی کشمیر مجاورت دارند که گروه‌های افراطی و خشونت طلب در آن‌ها فعال هستند. همچنین مرزهای جغرافیایی طولانی بایکدیگر باعث سرایت ناامنی و خشونت متقابل در این دو کشور می‌شود. براساس برخی از گزارش‌ها منطقه خودمختار کوهستان بدخشان یکی از نقاط اصلی ترانزیتی برای قاچاق سلاح و پول برای گروه‌های تروریستی در افغانستان است (Nichol, 2013: 6) ویژگی جغرافیایی و نژادی مردم افغانستان سبب پیوند عمیق میان این کشور با جمهوری‌های آسیای مرکزی شده است. مهاجرت هزاران تن از تاجیک‌های مخالف دولت دوشنبه به خاک افغانستان در جریان جنگ داخلی تاجیکستان و حمایت گروه‌های مختلف جهادی از آن‌ها به گونه‌ای افغانستان را درگیر در مسائل تاجیکستان نمود. فقدان قدرت سیاسی متمرکز در افغانستان سبب شد تا گروه‌های مختلف سیاسی - نظامی به آموزش و تجهیز مخالفان تاجیک بپردازند. هم‌کیشی تاجیک‌ها و افغان‌ها که از پیروان آیین اسماعیلی هستند در دوسوی مرز بر حساسیت این ارتباطات افزوده است (Koolae, 1998: 147). حضور، آموزش و فعالیت گروه‌های تروریستی آسیای مرکزی و رهبران آنان مانند جنبش اسلامی ازبکستان، جنبش اسلامی ترکستان شرقی و اتحاد جهاد اسلامی در نواحی قبیله‌ای فدرال (Gagel and et al, 2011: 45) نشان دهنده تاثیر متقابل و سرایت افراطی‌گرایی در بین این مناطق است. در مقیاس داخلی نیز همجواری بلوچستان پاکستان با مناطق قبایلی، احتمال گسترش خشونت‌ها و افراط‌گرایی را به شدت تقویت کرده است. پیدایش پیکارجویان متحد طالبان در بلوچستان، از جمله تحریک طالبان بلوچستان، اثبات کننده نگرانی‌ها در خصوص گسترش افراط‌گرایی در بلوچستان است (Dehghanian & Seyyed Zadeh, 2010: 128).

## جدول ۱- مقوله بندی ابعاد قرارگیری در بین مناطق و کشورها بحرانی جهان در شکل‌گیری گروه‌های

## ضدحکومتی مسلح

کد مقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	سرایت ناامنی و خشونت	مهاجرت مخالفان مسلح دولت‌های مجاور به منطقه، قاچاق پول و اسلحه،
۲	همکاری بین گروه‌های افراطی و تروریستی	حضور، آموزش و فعالیت گروه‌های تروریستی آسیای مرکزی و رهبران آنان مانند جنبش اسلامی ازبکستان، جنبش اسلامی ترکستان شرقی و اتحاد جهاد اسلامی

## ادامه جدول ۱

کد مقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۳	آموزش و تجهیز نیروهای مخالف	تجهیز و آموزش نیروهای مخالف کشورهای منطقه اعم از کشورهای آسیای مرکزی، هند و افغانستان در ایالت خیبرپختونخواه و نواحی فدرال قبیله‌ای پاکستان

## ۴-۱-۲- حمایت قدرت‌های مداخلگر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج‌دهنده

## ایدئولوژی‌های افراطی

«کریس مورفی» سناتور دموکرات کنگره از ایالت «کتیکت» در سخنرانی خود در شورای روابط خارجی آمریکا تصریح کرده است که حدود ۲۴ هزار مدرسه در پاکستان توسط عربستان سعودی تأمین بودجه می‌شوند که این «سونامی پول» برای «صادر کردن تعصب» است (Fars News Agency, 2016/01/31). عربستان سعودی با تاسیس «دانشگاه بین‌المللی اسلامی» در اسلام آباد و «دانشگاه فیصل آباد» علاوه بر آموزش و تربیت دانشجویان در چهارچوب اندیشه‌های وهابی، مشغول آموزش معلمان تعلیمات دینی در مدارس وابسته به آموزش و پرورش پاکستان است. این بدان معنی است که غیر از مدارس مذهبی، مدارس دولتی و خصوصی پاکستان نیز تحت تأثیر آموزه‌های وهابیت قرار می‌گیرند. علاوه بر این عربستان با پشتیبانی مالی از مدارس مذهبی، احداث مساجد و مراکز تبلیغی، ترویج زبان عربی و جذب نیروی کار پاکستانی تلاش می‌کند اندیشه‌های وهابیت در جامعه پاکستان نهادینه کند (Mohammadi, 2010: 200-204). بسیاری از اعضاء و رهبران گروه‌های افراطی دارای اندیشه‌های وهابیت و دیوبندی است که مدارس مذهبی در ترویج این اندیشه نقش اساسی داشته‌اند. مدارس مذهبی پاکستان که عمدتاً تحت حمایت مالی عربستان سعودی قرار دارند به کار خود در فراهم کردن جریان پایان‌ناپذیر از نیروهای تازه برای طالبان ادامه می‌دهند تا جایی که بسیاری از خانواده‌های افغان هنوز فرزندان‌شان را برای تحصیل به این مدارس می‌فرستند. نبود مدارس معتبر در خاک افغانستان و انگیزه‌های مالی خوب مالی در برخی از مدارس پاکستانی، خانواده‌های افغان را مجاب می‌سازد تا فرزندان‌شان را به آن سوی مرزها بفرستند (Giustozzi, 2007: 39). از این مدارس به عنوان پایگاه تدارکات استفاده شده است و حتی در برنامه‌های جهاد که به منظور جلب مبارزان ارتش سرخ طی سال‌های دهه ۱۹۸۰ تدریس می‌شده است تا به امروز نیز ادامه دارد (Rashid, 2008: 235).

جدول ۲- مقوله بندی ابعاد حمایت قدرت‌های مداخلگر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج‌دهنده

ایدئولوژی‌های افراطی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های ضدحکومتی مسلح

کد مقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	توسعه مدارس و نهادهای مذهبی ایدئولوژیک	تامین مالی ۲۴ هزار مدرسه توسط عربستان سعودی در پاکستان
۲	تقویت فرقه وهابیت و دیوبندی	پشتیبانی مالی از مدارس فرقه وهابیت، احداث مساجد و مراکز تبلیغی، ترویج زبان عربی و استخدام نیروی کار پاکستانی
۳	تریت معلمان در چهارچوب اندیشه‌های وهابیت	تاسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی و دانشگاه فیصل آباد
۴	تریت نیرو برای گروه‌های افراطی	پذیرش دانش‌آموزان فقیر افغانستانی و پاکستانی و آموزش آن‌ها براساس درسنامه‌های جهادی

۴-۱-۳- مرزهای جغرافیای طولانی، پرنفوذ و دور از دسترس

مرز افغانستان و پاکستان نمونه‌ای از یک سرزمین مهار نشده است که به‌عنوان پناهگاهی برای گروه‌های تروریستی عمل می‌کند. در سال‌های پس از عملیات «آزادی پایدار» منطقه مرزی بین افغانستان و پاکستان به دلیل حضور بقایای القاعده و گروه طالبان نگرانی بین‌المللی را ایجاد کرد. شورشیانی که نیروهای دولتی و نیروهای ائتلاف بر علیه آنان در افغانستان می‌جنگند از مرزهای پرنفوذ افغانستان و پاکستان به داخل کشور پاکستان فرار می‌کنند چرا که می‌دانند با عبور از یک مرز بین‌المللی تحت تعقیب یا مورد حمله قرار نمی‌گیرند (Abdullah Khani, 2009: 54). پاکستان یک مرز طولانی ۱۵۰۰ مایلی با افغانستان دارد که حدود ۳۰۰ گذرگاه افغانستان را به خیبرپختونخواه و بلوچستان پیوند می‌دهد (Hilali, 2005: 246). این مرز طولانی و پرنفوذ که بخش‌هایی از آن دور از دسترس نیروهای دولتی است، زمینه را برای عبور و مرور و فعالیت گروه‌های افراطی در این دو کشور راحت‌تر کرده است. به گزارش رسانه‌های پاکستانی، جنرال «آصف غفور» مسئول مطبوعاتی ارتش پاکستان اعلام کرده است مجراهایی در مرز دو کشور (افغانستان و پاکستان) وجود دارد که تروریست‌ها از آن رفت و آمد دارند. به گفته وی ۳۰۰ راه عبور در مرز دو کشور وجود دارد که گروه‌های تروریستی از آن استفاده می‌کنند (Afghanistan Information Network, 2017/3/8).

## جدول ۳- مقوله بندی ابعاد مرزهای طولانی، پرنفوذ و دور از دسترس» در فعالیت گروه‌های ضدحکومتی

## مسلح

کدمقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	عبور و مرور راحت مرزی	وجود ۳۰۰ گذرگاه مرزی بین افغانستان و پاکستان، مرزهای طولانی و پرنفوذ، دور از دسترس بودن بخشی‌های از مرز برای نیروهای دولتی
۲	پناهگاه امن	عدم حضور نیروهای دولتی، عبور از مرز به منظور جلوگیری از تعقیب و حمله نیروهای دولتی

## ۴-۱-۴- پیوستگی جغرافیایی گروه‌های قومی- مذهبی در دو سوی مرز

سه حکومت قومی ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان همه احساسات قومی قوی با گروه‌های اجتماعی مشابه در افغانستان به اشتراک گذاشته‌اند. علاوه بر این، گروه قومی پشتون در دو ایالت بلوچستان و ایالات خیبرپختونخواه پاکستان در آن سوی مرز با خاک افغانستان پیوستگی دارد. در طول تاریخ افغانستان در شرایط بحرانی همتایان قومی در سرتاسر مرز به‌عنوان یک منبع حمایت و پناهگاه عمل کرده‌اند. انتقال جمعیت مهاجر و آوارگان و جنگجویان مقاومت یک ترافیک دوطرفه بین این کشورها و افغانستان ایجاد کرده است. پشتون‌ها در امتداد مرز با افغانستان از آزادی تعامل با همتایان خود در آن سوی مرز برخوردارند. این آزادی نه تنها در دوران جنگ با شوری بلکه در دوران رژیم طالبان و حتی پس از حمله ایالات متحده به سوی طالبان نیز برقرار بود. این پیوستگی قومی برای اعضای گروه‌های افراطی که عمدتاً از قوم پشتون هستند امکان عبور و مرور مرزی راحت‌تری را فراهم آورده است. چنین شرایطی کشورهای همسایه را در مقابل امنیت یا ناامنی افغانستان حساس می‌کند. افغانی‌ها، فارس زبان‌ها، بلوچ‌ها و پشتون در امنیت ملی ایران اثر گذارند. به همان گونه‌ای که ایران می‌تواند بر فرآیندهای اجتماعی و سیاسی افغانستان تأثیر بگذارد؛ بنابراین ناپایداری سیاسی، امنیتی و ساختاری در کشورهای همسایه نیز در زمره عوامل تأثیرگذار در محیط داخلی افغانستان محسوب می‌شود (Mosalenezhad, 2009: 174).

## جدول ۴- مقوله بندی ابعاد پیوستگی جغرافیایی گروه‌های قومی- مذهبی در دو سوی مرز در فعالیت

## گروه‌های ضدحکومتی مسلح

کد مقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	سرایت بحران و ناامنی	انتقال جنگجویان و گروه‌های مسلح، انتقال ناامنی همسایگان به داخل کشور

## ادامه جدول ۴

مجموعه عناصر و مصادیق مقوله	مقوله	کد مقوله
حمایت گروه‌های قومی و فراهم آوردن پناهگاه برای گروه‌های تروریستی که از مرز عبور کرده‌اند	عبور و مرور راحت مرزی	۲

## ۴-۱-۵- رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌ها

رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یکی از دلایل قدرت‌گیری گروه‌های تروریستی است. پاکستان از گروه‌های ستیزجو به خصوص شبکه حقانی و طالبان به عنوان یک نیروی قدرتمند برای کنترل دولت افغانستان و جلوگیری از نفوذ هند استفاده می‌کند (Hussian, 2011: 5). امروز افغانستان صحنه جنگ علیه تروریسم، تقابل نامحدود بین ایالات متحده و جنبش‌های اسلام‌گرای جهانی، رقابت بین ناتو و روسیه، مناقشه بین ایالات متحده و ایران، مبارزه با پاکستان در مورد آینده افغانستان و یک شورش فراملی گسترده در افغانستان و پاکستان در ارتباط با القاعده است (Thier, 2009: 13). این رقابت‌ها فضا را برای حضور و سوء استفاده از گروه‌های افراطی توسط این قدرت‌ها فراهم آورده است.

در دوران رقابت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک شوروی و آمریکا که با اشغال افغانستان توسط شوروی به اوج خود رسیده بود، منطقه قبیله‌ای فدرال پاکستان، یک فضای مناسب برای آموزش، پایگاه عملیاتی و پناهگاه امن برای مجاهدین افغان بود و همچون مجرای اولیه عرضه سلاح و کمک به مجاهدین توسط سیا<sup>۱</sup>، عربستان و سازمان اطلاعات نظامی پاکستان، به منظور حمایت از جهاد افغانستان عمل می‌کرد (Yamin & Malik, 2014: 8). پیشاور که مرکز ایالت خیبرپختونخواه است از لحاظ تاریخی بزرگترین اردوگاه نیروهای خارجی سیا در طول جنگ افغانستان با شوروی بود که میزبان مریان نظامی و ستیزه جویان خارجی بود (Gilani, 2008) به گفته هلیالی بیش از ۱/۶ میلیون مجاهد آموزش دیده در طول جنگ افغانستان در این منطقه بودند. ظهور ستیزه جویی در منطقه، نتیجه طبیعی این تولید بی‌ملاحظه مجاهدین بود (Hilali, 2005: 246). جنگ افغانستان به مجاهدین جوان عرب، پاکستانی، هندی و مسلمانانی از آسیای مرکزی فرصتی بزرگ برای آشنایی داد. همین همنشینی و آشنایی زمینه را برای پیوندهای شبکه‌ای میان آنان پس از جنگ فراهم آورد. جنگ افغانستان به جنبش جهادی، دیدگاه‌ها و

۱. CIA نام سازمان اطلاعات مرکزی آمریکاست که وظیفه جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مهم درباره کشورها، حکومت‌ها، شرکت‌های اقتصادی و افراد خارجی را به حکومت ایالات متحده آمریکا دارد.



آرمان‌های جهانی داد. به سخن دیگر بذر جهاد فراملی در دهه ۱۹۸۰ م در خاک بارور افغانستان کاشته شد (Rawa, 2000: 114). پس از حمله شوروی به افغانستان پاکستان و متحدان آن از مذهب به عنوان سلاحی در برابر نیروهای شوروی در افغانستان استفاده کردند و اشغال این کشور را تحت عنوان جنگ میان مسلمانان و کافران مفهوم‌پردازی کردند. ایدئولوژی «جهاد» در دستور کار مبارزه قرار گرفت و نیرویی به نام «مجاهدین» در این دوره پا گرفت که سازمان اطلاعات ارتش پاکستان و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا نقش اصلی را در شکل‌گیری آن ایفا کردند. به منظور آموزش نظامی و ایدئولوژیک این مجاهدین اردوگاه‌هایی در خاک پاکستان، عمدتاً در ایالت‌های سرحد و بلوچستان، برپا شد و همچنین شهر پیشاور در ایالت سرحد پاکستان به مرکز استقرار احزاب و گروه‌های مقاومت افغان تبدیل شد (Ataei & Shahvand, 2012: 95). جنگ افغانستان پاکستان را غرق در انواع سلاح کرد و ستیزه‌گری را در فرهنگ سیاسی آن به ویژه در میان گروه‌های اسلامی جا انداخت. فرهنگ کلاشینکف منازعات فرقه‌ای را خونین‌تر و سازمان‌های ستیزه‌گر را شبه نظامی کرد (Nasr, 2004: 95).

جدول ۵- مقوله بندی ابعاد رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌ها در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های ضدحکومتی

#### مسلح

کد مقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	تقویت نظامی، مالی، آموزشی و لجستیک گروه‌های افراطی	تاسیس و تقویت اردوگاه‌های آموزش نظامی-ایدئولوژیک، آموزش بیش از ۱/۶ میلیون مجاهد، مجرای اصلی انتقال سلاح و مهمات به افغانستان، ایجاد پایگاه‌های امن برای مجاهدین
۲	بهره‌گیری از ایدئولوژی مذهبی-نظامی	مفهوم پردازی حمله شوروی به افغانستان تحت عنوان جنگ میان مسلمانان و کفار و در دستور کار قراردادن ایدئولوژی جهاد
۳	تقویت مدارس مذهبی و رشد افراط‌گرایی	حمایت دولت پاکستان، عربستان و آمریکا از گسترش مدارس دینی، تقویت مباحث نظری جهاد در مدارس مذهبی
۴	شکل‌گیری پیوندهای شبکه‌ای بین گروه‌های افراطی	آشنایی مجاهدین عرب، پاکستانی، هندی و کشورهای آسیای مرکزی با یکدیگر، شکل‌گیری دیدگاه‌ها و آرمان‌های جهانی گروه‌های افراطی

#### ۴-۱-۶- بی‌ثباتی ناشی از نبود یک قدرت هم‌مونیک منطقه‌ای یا بین‌المللی

شاخص کشورهای شکننده به طور سالانه رتبه ۱۷۸ کشور را براساس میزان ثبات و فشاری که این کشورها با آن رو به رو هستند مشخص می‌کند در این بین دو کشور افغانستان و پاکستان در رده

کشورهای با «هشدار بالا» قرار دارند (The Fund for Peace, 2016: 7). خلاء وجود دولت‌های قدرتمند در افغانستان و پاکستان یکی از زمینه‌های اصلی شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های افراطی در این دو کشور است. بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی منطقه شبه‌قاره و به خصوص کشور افغانستان کمتر مورد توجه قدرت‌های مسلط جهانی قرار گرفت به‌طوری‌که ایالت متحده به‌طور کلی این منطقه را رها کرد. به گفته رابرت بیر، جاسوس سابق سیا: «سیا در دهه ۱۹۹۰ حتی یک مامور در افغانستان نداشت و هیچ نیروی انسانی برایش در این کشور فعالیت نمی‌کرد. به عبارت دیگر ما در افغانستان کور بودیم. ما عمدتاً به همه فعالیت‌های خود در آن کشور پایان داده بودیم. ما از هر چه در آن کشور در حال روی دادن بود کاملاً ناآگاه بودیم» (Najaf zadeh, 2004: 142) از سوی دیگر با خروج شوروی و بعد از آن فروپاشی این ابر قدرت، خلاء ژئوپلیتیک ناشی از یک قدرت هژمون در دو کشور افغانستان و پاکستان زمینه فعال شدن گروه‌های شبه نظامی را فراهم آورد. در واقع پس از عقب‌نشینی شوروی و پایان جهاد در سال ۱۹۸۹ م ایالات متحده آمریکا منطقه را با هزاران مجاهد سرسخت که بسیاری از آن‌ها در پاکستان بودند، رها کرد. خلأ ژئوپلیتیک ایجادشده در نتیجه ترک منطقه توسط ایالات متحده و عدم تحرک مجاهدین، سازمان اطلاعات نظامی پاکستان را وادار به عمل کرد. ای اس ای تلاش نمود فعالیت مجاهدین را برای ایجاد عمق استراتژیک در افغانستان جهت دهی کند (Rashid, 2001: 118).

جدول ۶- مقوله بندی ابعاد بی‌ثباتی ناشی از نبود یک قدرت هژمونیک در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های

#### ضدحکومتی مسلح

کدمقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	وجود دولت‌های شکننده	قرارگیری افغانستان و پاکستان جزو بی‌ثبات‌ترین کشورهای جهان و در رده کشورهای با هشدار بالا
۲	خلأ ژئوپلیتیک	بی‌توجهی ایالت متحده و قدرت‌های جهانی به افغانستان بعد از خروج شوروی از این کشور

#### ۴-۱-۷- قرارگیری در موقعیت حائل

کشور افغانستان و بخشی‌هایی از پاکستان در قرن نوزدهم و بیستم به عنوان مناطق حائل شناخته می‌شدند. کشور حایل به سبب کوچکی و قدرت ملی پایین قادر نیست سیاست دیگر کشورها را تغییر دهد یا با آن‌ها مخالفت بورزد (Maila, 1986: 30). بنابراین فضای کشور حائل به عرصه رقابت و تخاصم

قدرت‌های پیرامونی تبدیل می‌شود. سرزمین افغانستان نیز به دلیل موقعیت حائل عرصه رقابت مهره‌های قدرت‌های جهانی که بعضاً گروه‌های افراطی و تروریستی بودند، تبدیل شد. در این میان نواحی قبیله‌ای فدرال در قرن ۱۹ اهمیت استراتژیک فراوانی داشته‌اند، مخصوصاً زمانی که روسیه و بریتانیا در رقابت استراتژیک در آسیای مرکزی بودند که به «بازی بزرگ» معروف بود. انگلستان ترس این را داشته که افغانستان زمین بازی روسیه برای حمله به هند بریتانیا شود. این باعث حضور بریتانیا در جنوب آسیا شد و نواحی قبیله‌ای فدرال به عنوان منطقه حائل حیاتی بین این دو قدرت قرار گرفت. نواحی فدرال یکبار دیگر اهمیت استراتژیک و حائل پیدا کردند زمانی که شوروی در سال ۱۹۷۹م به افغانستان حمله کرد. در این دوره این منطقه به عنوان پناهگاه و مجرای آموزش و کمک به مجاهدین و گروه‌های جهادی تبدیل شد (Mirza and et al, 2012: 2). در واقع موقعیت حائل این منطقه باعث شده است قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در مقابل رقبای خود از نیروها و گروه‌های افراطی و تروریستی حمایت کرده و در برخی از موارد حتی به تشکیل چنین گروه‌هایی دست بزنند.

جدول ۷- مقوله بندی ابعاد موقعیت حائل در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های ضدحکومتی مسلح

کد مقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	ضعف کشور حائل	رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، حمایت از گروه‌های افراطی و مسلح در کشور حائل
۲	اشغال نظامی	اشغال توسط شوروی ۱۹۷۹، حضور آمریکا و نیروهای ائتلاف بعد از حملات ۱۱ سپتامبر در افغانستان و پاکستان

#### ۴-۱-۸- اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان

پاکستان و افغانستان به شدت بر سر خط مرزی دیورند و منطقه پشتونستان با یکدیگر اختلاف دارند. خط مرزی دیورند به طول ۲۶۴۰ کیلومتر در زمان سلطه بریتانیا بر شبه قاره هند در ۱۲ نوامبر سال ۱۸۹۳ م طی معاهده‌ای بین امیر عبدالرحمن خان از افغانستان و سر هنری مورتیمر دیوراند ترسیم و طی آن مناطقی از افغانستان آن زمان به هند بریتانیایی واگذار گردید (Zeb, 2006: 73) پس از خروج انگلستان از هند و استقلال آن، این تصور برای افغانستان پیش آمد که فرصت به دست آمده را مغتنم شمرده، پشتونستان را به خاک خود منضم نماید. اما خواسته افغانستان تحقق نیافت چرا که دولت انگلستان اعلام نمود قرارداد دیوراند با کشور هند منعقد شده و طبق تقسیم کشور هند در سال ۱۹۴۷، مناطق مسلمان‌نشین همچون

پشتونستان که چسبیده به خاک پاکستان است به آن کشور تعلق می‌گیرد (Roashan, 2005) از همین زمان اختلاف افغانستان بر سر خط دیورند و منطقه پشتونستان با پاکستان آغاز شد و حکومت‌های مختلف در افغانستان این خط مرزی را به رسمیت نشناختند و حاکمیت پاکستان بر پشتونستان را مردود شمردند. پشتونستان امروز برای هر دو کشور اهمیت بسیار زیادی دارد. مزیت پشتونستان برای افغان‌ها، دسترسی این کشور به دریای آزاد از طریق بلوچستان است. همچنین پاکستان می‌داند اگر پشتونستان از این کشور جدا شود معلوم نیست آینده سیاسی و قلمرو سرزمینی این کشور به چه سرنوشتی دچار شود (Shafiei, 2004: 26) به نظر می‌رسد از مهمترین عواملی که موجب شده پاکستان در جهت پیشگیری از دومینوی سقوط مهره‌های خویش در افغانستان، از تبدیل طالبان به مهره‌های سوخته جلوگیری به عمل آورد و کماکان به حمایت از طالبان در صورت مختلف ادامه دهد طوری که امروزه شاهد پدیده‌های با عنوان نئوطالبانیسم در افغانستان هستیم، همانا اعمال فشار بر امریکا است تا این کشور، دولت افغانستان را در تن دادن به خط دیورند به عنوان مرز رسمی افغانستان و پاکستان قانع کند، موضوعی که بیش از نیم قرن مطمح نظر دولتمردان پاکستان بوده است (Dehsyar & Mahmoudi, 2010: 97). از دیگر اختلافات سرزمینی عمیق در جنوب آسیا اختلاف بین پاکستان و هند بر سر منطقه کشمیر است. تدام بحران کشمیر باعث شده اسلام معتدل در پاکستان تحت تاثیر فرقه‌گرایی دیوبندیسم به اسلام را دیکال تبدیل شود. تلاش برای جدایی کشمیر از هند در تعالیم مذهبی مدارس پاکستان یک تکلیف شرعی برای رهایی بخشی مسلمانان از یوغ هندوئیسم است و همین موضوع به عاملی برای رشد مدارس مذهبی و علاقه‌ی جوانان مسلمان برای تحصیل در آن‌ها و در نتیجه رشد و گسترش بنیادگرایی در این کشور شده است (Shafiei, 2005: 3). مردم پاکستان به ویژه گروه‌های اسلام‌گراها متأثر از مکتب دیوبندی، به سیاست‌های دولت در قبال موضوع کشمیر و وضعیت مسلمانان این منطقه حساس بوده و اتخاذ هرگونه سیاست انفعالی توسط دولت در قبال مسأله کشمیر، گروه‌های بنیادگرا با تفکر دیوبندی و وهابیت در پاکستان را به اتخاذ سیاست‌های خشونت‌آمیز تشویق کرده است (Masoudnia & Najafi). بنابراین مسأله کشمیر و مسأله خط دیورند برای پاکستان دو مسأله‌ی حیاتی به حساب می‌آید. هر دو مورد به مسأله ارضی و مرزی مربوط می‌شود که پیچیده‌ترین و حساس‌ترین موضوع و مسأله در روابط کشورهاست. به نظر می‌رسد دخالت پاکستان در افغانستان با توجه به این دو مسأله رخ می‌دهد. به عبارت دیگر اگرچه پاکستان از مداخله در افغانستان اهداف مختلفی دارد؛ اما دو هدف استفاده از افغانستان به عنوان عمق استراتژیک خود

در مقابل هندوستان و استقرار شرایطی در افغانستان که باعث به رسمیت یافتن خط دیورند به عنوان مرز رسمی شود، بر جسته‌تر و اساسی‌تر به نظر می‌رسد. از دید اسلام آباد اگر قرار است این دو هدف تحقق یابد، حمایت از طالبان اجتناب ناپذیر است (Shafiei & Aidouzai, 2013: 107-108).

#### جدول ۸- مقوله بندی ابعاد اختلافات ارضی و مرزی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های ضدحکومتی مسلح

کد مقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	اهرم فشار نظامی - امنیتی برای تصرف سرزمین	استفاده پاکستان از گروه‌های افراطی و مسلح برای انضمام منطقه کشمیر و وادار کردن افغانستان برای پذیرش خط مرزی دیورند.
۲	عدم کتر موثر مرز	عدم کنترل عبور و مرور مرز دیوراند.
۳	تشدید اختلافات فرقه‌ای و دینی	اختلاف بر سر منطقه کشمیر بین هند و پاکستان به دلیل بافت جمعیتی منطقه کشمیر که اکثراً مسلمان هستند، ماهیت دینی و فرقه‌ای بخشیده است و این به تشدید فرقه‌گرایی و به تبعه آن شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تروریستی کمک کرده است.

#### ۴-۲- یافته‌های میدانی (پرسشنامه‌ای)

یافته‌های پرسشنامه‌ای این پژوهش در قالب دو دسته آمارهای توصیفی و استنباطی قابل تجزیه و تحلیل هستند.

#### ۴-۲-۱- آمار توصیفی مربوط به متغیرهای ژئوپلیتیک

براساس آمارهای توصیفی که حاصل تکمیل پرسشنامه توسط ۷۹ متخصص حوزه تروریسم است، متغیرهای «قرارگیری در مجاورت مناطق و کشورهای بحرانی جهان» و «حمایت قدرت‌های مداخلگر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج‌دهنده ایدئولوژی‌های افراطی» به ترتیب با میانگین امتیاز ۴/۳۷ و ۴/۲۹ بالاترین امتیازهای میانگین را به دست آورده‌اند. همچنین متغیرهای «اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان» و «قرارگیری در موقعیت حائل» با میانگین امتیاز ۳/۲۹ و ۳/۴۷ کمترین امتیاز میانگین را کسب کردند. این در حالی است که میانگین امتیاز کل متغیرهای ژئوپلیتیک برابر با ۳/۸۲ است. از آنجایی که طیف استفاده شده در پرسشنامه از نوع طیف لیکرت ۶ گزینه‌ای بین امتیاز صفر (اصلاً) تا ۵ (بسیار زیاد) است. داده‌های حاصل از آمار توصیفی نشان می‌دهد که میانگین امتیاز کل متغیرهای ژئوپلیتیک بین متوسط تا زیاد قرار دارد.

جدول ۹- آمار توصیفی متغیرهای ژئوپلیتیک

ردیف	متغیرهای ژئوپلیتیک	فراوانی						میانگین	انحراف استاندارد
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً		
۱	قرارگیری در بین مناطق و کشورهای بحرانی جهان	۳۸	۳۴	۵	۲	۰	۰	۴,۳۷	۰,۵۱۷
۲	حمایت قدرت‌های مداخله‌گر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج دهنده ایدئولوژی‌های افراطی	۴۷	۱۷	۷	۷	۱	۰	۴,۲۹	۱,۰۸۱
۳	مرزهای جغرافیای طولانی، پرنفوذ و دور از دسترس	۳۰	۴۱	۴	۳	۱	۰	۴,۲۲	۰,۶۵۸
۴	پیوستگی جغرافیایی گروه‌های قومی - مذهبی در دو سوی مرز	۲۰	۵۰	۹	۰	۰	۰	۴,۱۴	۰,۳۵۲
۵	رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌ها	۲۱	۴۴	۹	۲	۳	۰	۳,۹۹	۰,۸۳۳
۶	نبود یک قدرت فائده منطقیه یا بین المللی	۹	۴۵	۱۵	۵	۳	۲	۳,۵۸	۱,۱۴۴
۷	قرارگیری در موقعیت حائل	۹	۳۰	۳۰	۹	۱	۰	۳,۴۷	۰,۷۹۱
۸	اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان	۱۵	۱۷	۲۸	۱۴	۵	۰	۳,۲۹	۱,۳۳۷
	کل گویه‌های ژئوپلیتیک	۲۱۹	۳۲۶	۱۵۷	۶۸	۱۷	۳	۳,۸۲	۰,۸۵

## آمار استنباطی

## الف- آزمون T-test تک گروهی و سطح معنی‌داری متغیرهای ژئوپلیتیک

در بخش یافته‌های میدانی این پژوهش برای تأیید تأثیر هر یک از متغیرهای ژئوپلیتیک در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی (از نظر ۷۹ کارشناسی که پرسشنامه را تکمیل کرده بودند) از آزمون T تک گروهی استفاده شد. آزمون T تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه داریم و می‌خواهیم میانگین آن را با یک حالت معمول، استاندارد و یا حتی یک عدد فرضی و مورد انتظار مقایسه کنیم. مبنای اصلی تفسیر آزمون T، توجه به اختلاف میانگین بین دو میانگین واقعی و مفروض با توجه به مقدار T در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۵٪ است. بنابراین در تفسیر نتایج این آزمون، همواره باید به اختلاف میانگین توجه نمود. در این پژوهش نیز هدف سنجش و مقایسه میانگین امتیاز متغیرهای

ژئوپلیتیک حاصل از پاسخ متخصصان با امتیاز معیار ۳ بود که در طیف لیکرت شش گزینه‌ای پرسشنامه برابر با «اهمیت متوسط» بود. بنابراین آزمون T تک گروهی با ارزش معیار ۳ و سطح اطمینان ۹۵٪ برای متغیرهای ژئوپلیتیک انجام شد و در نهایت یافته‌های پرسشنامه‌ای نیز تاثیر ۸ متغیر ژئوپلیتیک را در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی تائید کردند به طوری که میانگین امتیاز متغیرهای «مجاورت در کنار مناطق و کشورهای بحرانی جهان»، «حمایت قدرت‌های مداخلگر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج‌دهنده ایدئولوژی‌های افراطی»، «مرزهای جغرافیای طولانی، پرنفوذ و دور از دسترس»، «پیوستگی جغرافیایی گروه‌های قومی- مذهبی در دو سوی مرز بین‌المللی»، «رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌ها»، «نبود یک فائده منطقه‌ای یا بین‌المللی»، «قرارگیری در موقعیت حائل»، «اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان»، و در گروه نمونه متخصصان به ترتیب ۴/۳۷، ۴/۲۹، ۴/۲۲، ۴/۱۴، ۳/۹۹، ۳/۵۸، ۳/۴۷ و ۳/۲۹ است که به‌طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار ۳ (متوسط) بالاتر هستند. بنابراین تمامی این متغیرهای ژئوپلیتیک موردتائید گروه متخصصان به عنوان عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی قرار می‌گیرند.

جدول ۱۰- آزمون t و سطح معنی‌داری برای متغیرهای ژئوپلیتیک

One-Sample Test						
	Test Value = 3					
	T	Df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
مرزهای جغرافیای طولانی، پرنفوذ و دور از دسترس	۱۳/۳۱۳	۷۸	.۰۰۰	۱/۲۱۵	۰/۹۷	۱/۴۶
پیوستگی جغرافیایی گروه‌های قومی- مذهبی در دو سوی مرز	۱۷/۰۶۳	۷۸	.۰۰۰	۱/۱۳۹	۰/۹۶	۱/۳۲
قرارگیری در موقعیت حائل	۴/۶۸۲	۷۸	.۰۰۰	۰/۴۶۸	۰/۲۰	۰/۸۳
اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان	۲/۲۳۸	۷۸	.۰۰۰	۰/۲۹۱	۰/۱۰۵	۰/۶۳
رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌ها	۹/۶۱۴	۷۸	.۰۰۰	۰/۹۸۷	۰/۸۲	۱/۲۶
بی‌ثباتی ناشی از نبود یک قدرت فائده منطقه‌ای یا بین‌المللی	۴/۸۳۹	۷۸	.۰۰۰	۰/۵۸۲	۰/۲۶	۰/۹۰

## ادامه جدول ۱۰

One-Sample Test						
	Test Value = 3					
	T	Df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
حمایت قدرت‌های مداخلگر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج دهنده ایدئولوژی‌های افراطی	۱۱/۰۳۹	۷۸	.۰۰۰	۱/۲۹۱	/۹۸	۱/۶۰
قرارگیری در بین مناطق و کشورهای بحرانی جهان	۱۶/۸۹۳	۷۸	.۰۰۰	۱/۳۶۷	۱/۱۵	۱/۵۸

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

متغیرها و موضوعات ژئوپلیتیک که حاصل کنش متقابل جغرافیا، سیاست و قدرت هستند در منطقه جنوب آسیا به ویژه در مناطق مرزی مشترک افغانستان و پاکستان به طور قابل توجهی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی تاثیرگذارند. اولین متغیر ژئوپلیتیک موثر در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان «قرارگیری در بین مناطق و کشورهای بحرانی جهان» است. موقعیت جغرافیایی افغانستان در مجاورت کشورهای آسیای مرکزی که در دوره‌ای درگیر جنگ‌های داخلی نیز بوده‌اند از یک سو و اختلافات و درگیری‌های نظامی هند و پاکستان بعد از استقلال بر سر منطقه کشمیر از سوی دیگر موجبات صدور بی‌ثباتی و بحران به این کشور شده است. همچنین مجاورت افغانستان و پاکستان بایکدیگر موجب سرایت ناامنی متقابل بین آنها شده است و امکان همکاری، آموزش و تجهیز بیشتر تروریست‌ها و گروه‌های افراطی را فراهم آورده است. آزمون آماری اطلاعات پرسشنامه نیز نشان می‌دهد میانگین امتیاز این متغیر در گروه نمونه متخصصان ۴/۳۷ (بین زیاد و بسیار زیاد) است که به طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار ۳ (متوسط) بالاتر است. دومین متغیر ژئوپلیتیک «حمایت قدرت‌های مداخلگر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج دهنده ایدئولوژی‌های افراطی» است. برخی از قدرت‌های مداخله‌گر به ویژه عربستان سعودی با حمایت مالی از نهادهای آموزشی مذهبی متعلق به فرقه‌های وهابیت و دیوبندی، تاسیس موسسات آموزشی و تربیت معلمان در چهارچوب اندیشه‌های افراطی به تربیت نیرو برای گروه‌های افراطی و تروریستی می‌پردازند. اطلاعات میدانی نیز به خوبی



تاثیرگذاری پررنگ این متغیر را در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در جنوب آسیا را نشان می‌دهد به طوری که میانگین امتیاز این متغیر در گروه نمونه متخصصان ۴/۲۹ (بین زیاد و خیلی زیاد) است که به طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار ۳ (متوسط) بالاتر است. سومین متغیر ژئوپلیتیک «مرزهای جغرافیای طولانی، پرنفوذ و دور از دسترس» است. مرز ۲۶۰۰ کیلومتری افغانستان با پاکستان به دلیل عدم کنترل موثر توسط دولت‌های ملی از یک سو و وجود گذرگاه‌های متعدد غیر رسمی و دور از دسترس از سوی دیگر، یکی از متغیرهایی است که شرایط را برای فعالیت‌های تروریستی گروه‌های افراطی و نقل و انتقال در دو سوی مرزی و فرار از دست نیروهای نظامی و امنیتی تسهیل کرده است. آزمون آماری اطلاعات پرسشنامه نیز نشان می‌دهد میانگین امتیاز این متغیر در گروه متخصصان ۴/۲۲ (بین زیاد و خیلی زیاد) است که به طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار ۳ (متوسط) بالاتر است. چهارمین متغیر «پیوستگی جغرافیایی گروه‌های قومی - مذهبی در دو سوی مرز» است. گروه‌های قومی و مذهبی در دو کشور افغانستان و پاکستان با هم‌تایان خود در آن سوی مرزی پیوستگی جغرافیایی دارند. این ویژگی باعث شده است در بحران‌های مختلف سیاسی - امنیتی در این دو کشور انتقال جمعیت و ارتباطات قوی بین این گروه‌های قومی شکل گرفته و در اشکال مختلف نمود پیدا کرده است. این امر به گروه‌های تروریستی که عمدتاً از این گروه‌های قومی - مذهبی هستند امکان تردد و فعالیت آسان‌تر را در این نواحی می‌دهد و مقابله با آنان را برای نیروهای دولتی مشکل می‌کند. یافته‌های پرسشنامه‌ای نیز نشان می‌دهد میانگین امتیاز این متغیر در گروه نمونه متخصصان ۴/۱۴ است (بین زیاد و خیلی زیاد) که به طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار ۳ (متوسط) بالاتر است. پنجمین متغیر ژئوپلیتیکی «رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرت‌ها» است. جغرافیای افغانستان و پاکستان در دو قرن گذشته عرصه رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است، قدرت‌هایی که هر کدام اهداف سیاسی، نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی خاصی را دنبال می‌کردند. این امر موجب شکل‌گیری یک فضای تخاصم و رقابت ژئوپلیتیک بین قدرت‌های مختلف در این منطقه شده است. در این میان برخی از قدرت‌ها برای لطمه زدن به منافع و جایگاه دیگر قدرت‌ها از ابزار تروریسم و گروه‌های افراطی استفاده کرده‌اند و با ایجاد، تقویت و هدایت چنین گروه‌هایی منافع ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود را به دست آورده‌اند. در چنین شرایطی گروه‌های افراطی همواره از فرصت و امکان بالاتری در ایجاد رابطه و تعامل با یکدیگر برخوردار شده‌اند. داده‌های پرسشنامه‌ای نیز نشان می‌دهد که میانگین امتیاز این متغیر در گروه نمونه متخصصان ۳/۹۹ (بین متوسط و

زیاد) است که به طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار ۳ (متوسط) بالاتر است. ششمین متغیر ژئوپلیتیکی «نبود یک قدرت هژمون منطقه‌ای یا بین‌المللی» است. بعد از عقب نشینی شوروی از افغانستان و پایان جنگ سرد، افغانستان اهمیت سابق خود را برای قدرت‌های جهانی از دست داد و همراه با نیروهای جهادی که در دوران جنگ به شدت تجهیز و حمایت می‌شدند رها شد. از سوی دیگر شاخص‌های بین‌الملل نشان می‌دهد دو کشور افغانستان و پاکستان جزو ناپایدارترین کشورهای جهان هستند و از دولت‌های قوی بی بهره هستند. چنین ویژگی‌هایی زمینه را برای فعالیت بیشتر گروه‌های تروریستی فراهم آورده است. آزمون آماری اطلاعات پرسشنامه‌ای نیز نشان می‌دهد میانگین امتیاز این متغیر در گروه نمونه ۳/۵۸ (بین متوسط و زیاد) است که به طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار (متوسط) ۳ بالاتر است. هفتمین متغیر «موقعیت حائل» است. کشور افغانستان و بخش‌های از پاکستان در قرن ۱۹ و ۲۰ و حتی در هزار سوم دارای موقعیت حائل بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده‌اند. این موقعیت باعث شده است که این دو کشور یا مورد اشغال نظامی قرار بگیرند یا قدرت‌های جهانی از مهره‌ها و پیاد نظام خود که عمدتاً گروه‌های شبه نظامی غیر دولتی بودند در این کشورها بر علیه یکدیگر استفاده کنند. اطلاعات حاصل از پرسشنامه نیز نشان می‌دهد میانگین امتیاز این متغیر در گروه نمونه متخصصان ۳/۴۷ (بین متوسط و زیاد) که به طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار ۳ (متوسط) بالاتر است. هشتمین و آخرین متغیر «اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان» است. اختلاف اراضی و مرزی افغانستان بر سر خط دیورند و منطقه پشتونستان باعث شده است که کنترل مرزی در این منطقه وجود نداشته باشد و گروه‌های تروریستی از این اختلاف سرزمینی حداکثر استفاده را ببرند. همچنین پاکستان تلاش می‌کند از گروه‌های افراطی به عنوان اهرام فشار به دولت افغانستان به منظور پذیرش خط دیوراند و خارج کردن کشمیر از کنترل هندوستان استفاده کند. یافته‌های پرسشنامه‌ای نیز نشان می‌دهد که امتیاز میانگین این متغیر در گروه نمونه متخصصان ۳/۲۹ (بین متوسط و زیاد) است که به طور معناداری ( $p < 0/000$ ) از امتیاز معیار ۳ (متوسط) بالاتر است. بنابراین در مجموع ۸ متغیر ژئوپلیتیکی با ۲۱ مقوله تاثیرگذاری بالایی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان دارند به طوری که تمامی متغیرهای ژئوپلیتیکی در اعتبار سنجی به وسیله متخصصان امتیاز و وزنی بالاتر از امتیاز متوسط کسب کرده‌اند.

## جدول ۱۱- سطح بندی متغیرهای ژئوپلیتیک و مقوله‌های آن‌ها در شکل‌گیری و فعالیت تروریسم در افغانستان

## و پاکستان

ردیف	متغیرهای ژئوپلیتیک	مقوله‌ها و ابعاد	امتیاز میانگین	نمره آزمون T	معنی داری	سطح اثرگذاری
۱	قرارگیری در بین مناطق و کشورهای بحرانی جهان	سرایت متقابل ناامنی و خشونت	۴/۳۷	۱۶/۸۹	۰/۰۰	زیاد تا بسیار زیاد
		همکاری بیشتر بین گروه‌های افراطی و تروریستی				
		امکان آموزش و تجهیز بیشتر تروریست‌ها				
۲	حمایت قدرتهای مداخلگر از گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی ترویج دهنده ایدئولوژی‌های افراطی	توسعه مدارس و نهادهای مذهبی ایدئولوژیک	۴/۲۹	۱۱/۰۳	۰/۰۰	زیاد تا بسیار زیاد
		تقویت فرقه وهابیت و دیوبندی				
		تربیت معلمان در چهارچوب اندیشه‌های وهابیت				
		تربیت نیرو برای گروه‌های تروریستی				
۳	مرزهای جغرافیای طولانی، پرنفوذ و دور از دسترس	عبور و مرور راحت مرزی	۴/۲۲	۱۳/۳۱	۰/۰۰	زیاد تا بسیار زیاد
		پناهگاه امن				
۴	پیوستگی جغرافیایی گروه‌های قومی - مذهبی در دو سوی مرز	سرایت بحران و ناامنی	۴/۱۴	۱۷/۰۶	۰/۰۰	زیاد تا بسیار زیاد
		عبور و مرور راحت مرزی				
۵	رقابت‌های ژئوپلیتیک بین قدرتها	تقویت نظامی، مالی، آموزشی و لجستیکی تروریست‌ها	۳/۹۹	۹/۶۱	۰/۰۰	متوسط تا زیاد
		تقویت مدارس مذهبی و رشد افراط‌گرایی				
۶	نبود یک قدرت هم‌ممن منطقه‌ای یا بین‌المللی	وجود دولت‌های شکننده	۳/۵۸	۴/۸۳	۰/۰۰	متوسط تا زیاد
		خلأ ژئوپلیتیک				
۷	قرارگیری در موقعیت حائل	ضعف کشور حائل	۳/۴۷	۴/۶۸	۰/۰۰	متوسط تا زیاد
		اشغال نظامی				
۸	اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان	اهرم فشار نظامی - امنیتی برای تصرف سرزمین	۳/۲۹	۲/۲۳	۰/۰۰	متوسط تا زیاد
		عدم کتر موثر مرز				
		تشدید اختلافات فرقه‌ای و دینی				

## قدردانی

این مقاله از رساله دکتری جغرافیای سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان "الگویابی مکانی - فضایی شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های ضدحکومتی مسلح؛ نمونه موردی: افغانستان و پاکستان" مستخرج

شده است. نگارندگان بدینوسیله از همکاری دانشگاه تربیت مدرس در انجام این پژوهش تشکر و قدردانی می‌نمایند.

#### کتابنامه

1. Abdullah Khani, A. (2009). International Security Code 4, Special for Al Qaeda, *International Studies and Research Institute Abrar Moaser Theran*. (In Persian).
2. Ataei, F. & Shahvand, Sh. (2012). Sectarian Extremism in Pakistan (1979-2001), *Political Science Quarterly*, 8(2). 83-106. (In Persian).
3. Brynjar, L. (2004). *Causes of Terrorism: an Expanded and updated review of the Literature*, Forsvarets Forsknings Institutt (FFI) Norwegian Defence Research Establishment.
4. Crenshaw, M. (2005). Political Explanations, the International Summit on Democracy, Terrorism and Security, Addressing the Causes of Terrorism, the Club De Madrid Series on Democracy and Terrorism, Madrid.
5. Dehghanian, M.H. & Seyyed Zadeh, J. (2010). Book of Asia 5 Special Issues of Pakistan, Paper of Crisis Factors in Pakistan's Political System, *International Studies and Research Institute, Abrar Moaser Theran*. (In Persian).
6. Dehsyar, H. & Mahmoudi, Z. (2010). Pakistan's Attitudes to the Fight against Terrorism (2001-2008), *Foreign Relations Quarterly*, 2(5). 83-108. (In Persian).
7. Etaat, J. & Dabiri, A.A. (2016). *Terroeism, Spatial Diemenation and Global Perspectives*, Tehran: Shahid Beheshti University Press, (In Persian).
8. Ganor, B. (2002). Defining Terrorism: Is One Man's Terrorist another Man's Freedom Fighter? *Police Practice and Research*, 3(4), 287- 304.
9. Gilani, S.Z. (2008). Swimming against the tide Towards Peace among the Pashtun People. *The newsletter of Pashtun peace forum Canada*, 1(1), 1-3.
10. Giustozzi, A. (2007). *Koran, Kalashnikov and Laptop: The Neo-Taliban Insurgency in Afghanistan*. London: HURST Publishers Ltd.
11. Global Peace Index (2015). Measuring Peace, it's Causes and its Economic Value, *the Institute for Economics and Peace (IEP)*.
12. Global Terrorism Database, Afghanistan (2017). [https:// www.start.umd.edu/gtd/ search/ Results. aspx? chart=overtime&search=afghanistan](https://www.start.umd.edu/gtd/search/Results.aspx?chart=overtime&search=afghanistan)
13. Global Terrorism Database, Pakistan (2017). [https:// www.start.umd.edu/gtd/ search/ Results. aspx? search=pakistan&sa.x=0&sa.y=0](https://www.start.umd.edu/gtd/search/Results.aspx?search=pakistan&sa.x=0&sa.y=0)
14. Global Terrorism Index (2017). Measuring and understanding the impact of terrorism, *the Institute for Economics and Peace (IEP)*.
15. Hafeznia, M.R. (2006). *Principles and Concepts of Geopolitics*, Mashhad: Papoli Publications, (In Persian).
16. Hilali A.Z. (2005). *US-Pakistan Relationship: Soviet Invasion of Afghanistan*. Aldershot Ashgate.
17. Hoffman, B. (1998). *Inside Terrorism*, New York: Columbia University Press.
18. [http://www.nctc.gov/site/groups/afghan\\_taliban.html](http://www.nctc.gov/site/groups/afghan_taliban.html).

19. Koolae, E. (1998). *Politics and Government in Central Asia*, Tehran: SAMT Publications, (In Persian).
20. Lizardo, O. A. & Bergesen, A. (2003). Types of Terrorism by World System Location, *humboldt journal of social relations*, 27(2). 162-192.
21. Masoudnia, H. & Najafi, D. (2011). Factors Influencing the Formation and Growth of Fundamentalism in Pakistan, *Quarterly Journal of Subcontinent Researches*. 3(8). 83-116 (In Persian).
22. Midlarsky, Manus I., Crenshaw, M. & Fumihiko Y. (1980). Why Violence Spreads: The Contagion of International Terrorism. *International Studies Quarterly* 24. 2682-298.
23. Mohammadi, A. (2010). Asia Book 5 Special Issues in Pakistan, Extremism in Pakistan: Facts and Strategies, *International Studies and Research Institute, Abrar Moaser Theran*. (In Persian).
24. Mosalenezhad, A. (2009). Social culture and Geopolitical of Power in Afghanistan, *Geopolitical Quarterly*. 5(1). 168-197. (In Persian).
25. Najaf zadeh, M. (2004). Asia Books (3), Special Post-Taliban Afghanistan, Functioning of US, Pakistan, and Russia intelligence agencies in the Afghanistan crisis, *International Studies and Research Institute, Abrar Moaser Theran*. (In Persian).
26. Nasr, V.R. (2004). Islamization, the State and Development, in Islamization and the Pakistan Economy, Robert M. Hathaway and Wilson Lee (eds), Washington D.C.: Woodrow Wilson International Center for Scholars.
27. Ramonet, I. (1998). *Geopolitical of Chaos*, Translated from French by Andrea Lyn Secara, Algora Publishing.
28. Rashid, A. (2001), *Taliban: Militant Islam, Oil, and Fundamentalism in Central Asia*, New Haven, CT: Yale University Press.
29. Rashid, A. (2008). *Descent into Chaos: How the War against Islamic Extremism is Being Lost in Pakistan, Afghanistan and Central Asia*. London: Penguin Group.
30. Rawa, O. (2000). *Afghanistan from Jihad to Civil Wars, translation Ali Alami*, Tehran: Publishing of Institute for Political and International Studies. (In Persian).
31. Richardson, L. (2005). *State-Sponsorship: A Root Cause of Terrorism*, in Tore Bjorgo, *Root Causes of Terrorism: Myths, Reality and Ways Forward*, New York: Routledge.
32. Richardson, L. (2007). *What Terrorists Want*, New York: Random House.
33. Roashan, R. (2005). *End of Imaginary-Durand Line*. <http://www.worldaffairsboard.com/war-terrorism> (accessed November 20, 2009).
34. Shafiei, I. & Aidouzai, N. (2013). The role of foreign support in the revival of the Taliban in Afghanistan, *Quarterly Journal of Subcontinent Research*. 5(16). 91-126. (In Persian).
35. Shafiei, N. (2004). Asia Book (3), Special Post-Taliban Afghanistan, article on the main challenges of the Karzai government, fears and hopes of the

- constitution, *International Studies and Research Institute, Abrar Moaser Theran*. (In Persian).
36. Shafiei, N. (2005). Pakistan's Role in the Growth of Islamists, *Diplomatic Hamshahri*, No. 61. 61-65. (In Persian).
37. Thier, J.A. (2009). *The Future of Afghanistan*, United States Institute of Peace.
38. Weimann, G. & Brosius, H.B. (1988). The Predictability of International Terrorism: A Time-Series Analysis, *Journal of Terrorism*. 491-502. 11 (6).
39. Yamin, S. & Malik, S. (2014). *Mapping Conflict Trends in Pakistan*, United States.
40. Zeb, R. (2006). Cross Border Terrorism Issues Plaguing Pakistan Afghanistan Relation, *China and Eurasia Forum Quarterly*. 69-74. 4(2).